

مقدمه مؤلف



فصل،

فصل شکفتن آرزوست؛

راستی آن را که آرزوی بیست نیست،

کیست؟

ایستگاه بیست، همین حوالی است؛

لطفاً بایست!

دوستان خوبم! قصه هزار و یک شب کنکور، بدین جا رسید که آزمون عمومی، لاجرم تسلیم اختیار کرد و به یکباره کنار کشید؛ اما در عوض، آزمون نهایی با جدیت تمام، حضور بسیار پررنگ و تأثیرگذاری قطعی خویش را اعلام نمود. وانگهی در این راستا، برگزاری امتحان فارسی (۲) به شکل نهایی (برای اولین بار) اختصاص ضریب ۲۱/۶۳ درصد به نمره درس ادبیات فارسی (با بالاترین ضریب در بین همه درس‌ها) در کنکور سراسری، نشان از اهمیت نمره امتحانی این درس، در محاسبه تراز و رتبه نهایی شما دارد.

بدین منظور، برای ارتقای معدل و کسب بالاترین نمره در آزمون نهایی درس فارسی (۲)، کتابی نگاشتیم که یقیناً با انتخاب و مطالعه دقیق آن، دیگر هیچ گونه نگرانی و دغدغه خاطری بابت امتحان این درس نخواهید داشت؛ کتابی به شیوه درس به درس و با این ساختار:

۱ **درس نامه:** در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری نوشته شده است؛ در **قلمرو زبانی**، به لغات واژه‌نامه و سایر واژه‌های مهم، گروه‌های املائی، املائی واژه‌های هم‌آوا و نکات مهم دستوری، در **قلمرو ادبی**، به دانش‌ها و آرایه‌های ادبی و تاریخ ادبیات و در **قلمرو فکری**، به بیان معانی و مفاهیم بیت‌ها و عبارت‌های هر درس، همراه با مباحث مربوط به درک مطلب می‌پردازد.

۲ **سؤال‌های امتحانی:** شامل مجموعه کاملی از سؤالات استاندارد مشابه نهایی با تیپ‌های گوناگون که به نوعی همه پرسش‌های کارگاه‌های متن‌پژوهی را نیز پوشش می‌دهد.

۳ **پاسخ‌نامه تشریحی:** دربردارنده پاسخ‌های کافی است که در این بین، چرایی نادرستی گزاره‌های غلط نیز بررسی و تشریح شده است.

۴ **ضمیمه شماره (۱):** در یک نگاه کلی، مباحث مهم دستوری و آرایه‌های ادبی و تاریخ ادبیات جامع را یادآوری می‌نماید.

۵ **ضمیمه شماره (۲):** به دو آزمون نوبت اول و چهار آزمون نوبت دوم شبه‌نهایی، همراه با راهنمای تصحیح و ارائه توضیحات لازم اختصاص دارد.

امیدوارم از انتخاب این کتاب و قراردادن آن در گنجینه کتاب‌های خویش، پشیمان نگشته و همواره شادمان باشید و با مطالعه و بهره‌گیری صحیح از آن، به نتیجه دلخواهتان دست یابید.

در پایان از خانواده عزیز و پرشکيب خویش، به‌ویژه همسر مهرگستر و شادی‌افزایم، از خانواده بزرگ خیلی‌سبز، مدیران گران‌قدر و محترم انتشارات، آقایان: دکتر ابوذر و کمیل نصری، مهندس بقایی و مهندس احمد علی‌نژاد، عزیزان ویراستار، حروف‌چین، صفحه‌آرا و گرافیک، همکاران ارجمند، استادان بزرگوار: فرشته صابریان، دکتر آذرملایی، کرامت حمیدی‌پور، دکتر عباس کریمی، دکتر سیدعلی مرتضوی، احمد جهرمی، محمدرضا سرداری، محمدرضا حسنی، احمد عسکری، معصومه زینلیان، دکتر بتول میرزایی، نجمه اسماعیلی‌نژاد، نجمه میرزایی مقدم، مریم کوشش، بهروز عبدی، مرجان صالحی، دکتر فاطمه غفوری، دکتر فاطمه شریف‌زاده یزدی، دکتر آزاده شریفی، مرضیه درگاهی‌پور، پرویز ابراهیمی، پیمان عسکری، علی حیدری‌زاده، محمدرضا تقی‌پور، دکتر جلال عباسی و مرتضی احمدی و مشاوران گرامی: دکتر محمد بزرگر، زهرا سالاری‌پور، زهرا امیرحسینی، مرضیه بزرگ‌مهر، مهندس مهرزاد حسینی، نسترن رودینی و دستیاران: سولماز و شهریار اسماعیلی و دیگر بزرگوارانی که به هرگونه در شکل‌گیری و چاپ این اثر، مرا یاری‌رسان بوده‌اند، از صمیم دل و جان، سپاس‌گزاری می‌نمایم.

نقش لبخند شما، ختم پریشانی‌ها!

«رضا اسماعیلی»

فهرست مطالب

| سؤال | درسنامه پاسخ | |
|------|--------------|--|
| ۵ | ۸۴ | درس اول: ستایش (لطف خدا) - نیکی - گنج حکمت (همت) |
| ۱۱ | ۹۰ | درس دوم: قاضی بُست - شعر خوانی (زاغ و کبک) |
| ۱۶ | ۹۸ | درس سوم: درامواج سند - گنج حکمت (چو سرو باش) |
| ۲۱ | ۱۰۴ | درس پنجم: آغازگری تنها - روان خوانی (تاغزل بعد...) |
| ۲۶ | ۱۰۹ | درس ششم: پرورده عشق - گنج حکمت (مردان واقعی) |
| ۳۲ | ۱۱۳ | درس هفتم: باران محبت - شعر خوانی (افتاب حُسن) |
| ۳۸ | ۱۲۱ | درس هشتم: درکوی عاشقان - گنج حکمت (چنان باش...) |
| ۴۲ | ۱۲۵ | درس نهم: ذوق لطیف - روان خوانی (میثاق دوستی) |
| ۴۶ | ۱۳۰ | درس دهم: بانگ جرس - گنج حکمت (به یاد ۲۲ بهمن) |
| ۵۱ | ۱۳۶ | درس یازدهم: باران عاشق - شعر خوانی (صبح بی تو) |
| ۵۶ | ۱۴۱ | درس دوازدهم: کاوه دادخواه - گنج حکمت (کاردانی) |
| ۶۲ | ۱۴۸ | درس چهاردهم: حمله حیدری - شعر خوانی (وطن) |
| ۶۷ | ۱۵۴ | درس پانزدهم: کبوتر طوق دار - گنج حکمت (مهمان ناخوانده) |
| ۷۱ | ۱۶۱ | درس شانزدهم: قصه عینکم - روان خوانی (دیدار) |
| ۷۵ | ۱۶۶ | درس هفدهم: خاموشی دریا - گنج حکمت (تجسم عشق) |
| ۷۸ | ۱۶۹ | درس هجدهم: خون عدل - روان خوانی (آزباد) - نیایش (الهی) |
| | | ضمیمه ۱: آرایه های ادبی - دستور زبان فارسی - تاریخ ادبیات جامع |
| | ۱۷۵ | آرایه های ادبی |
| | ۱۷۸ | دستور زبان فارسی |
| | ۱۸۷ | تاریخ ادبیات جامع |
| | | ضمیمه ۲: امتحانات شبیه ساز نهایی |
| | ۲۰۹ | امتحان شماره (۱): نوبت اول (میان سال) |
| | ۲۰۹ | امتحان شماره (۲): نوبت اول (میان سال) |
| | ۲۱۰ | امتحان شماره (۳): نوبت دوم (پایان سال) |
| | ۲۱۰ | امتحان شماره (۴): نوبت دوم (پایان سال) |
| | ۲۱۱ | امتحان شماره (۵): نوبت دوم (پایان سال) |
| | ۲۱۲ | امتحان شماره (۶): نوبت دوم (پایان سال) |



ستایش (لطف خدا) - نیکی - گنج حکمت (همت)

درس ۱

قلمرو زبانی

د لغت

معنی واژگان مشخص‌شده را بنویسید.

- ۱- به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
- ۲- خرد را گر نبخشد روشنایی
- ۳- برو شیر درنده باش ای دغل
- ۴- فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد
- ۵- صورت بی‌صورت بی‌حد غیب
- ۶- در این بود درویش شوریده‌رنگ
- ۷- دگر روز باز آتفاق اوفتاد
- ۸- اگر لطفش قرین حال گردد
- ۹- گفت: مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند؛ نه به قوت تن.

- ۱۰- در جدول زیر، با توجه به معنا، واژه معادل آن را از بیت‌های داده‌شده، انتخاب کنید و بنویسید.
- | | |
|--|--|
| <p>مرّت نباشد بر افتاده زور تا نگردي مست این بار گران نتوان کشید</p> | <p>بَرَد مرغ دون، دانه از پیش کور بیت‌های داده‌شده، انتخاب کنید و بنویسید.</p> |
|--|--|

| معنا | واژه معادل |
|-----------|------------|
| (۱) پست | |
| (۲) سنگین | |

۱۱- با توجه به بیت زیر، معادل معنایی واژه «نژند» کدام است؟

«بلند آن سر که او خواهد بلندش

- ۱ خوار و زبون ۲ نگران و ترسان

۱۲- کدام واژه به معنای «پایان کاری را نگرستن» است؟

- ۱ ادبار ۲ اقبال

۱۳- درستی یا نادرستی معنی مقابل واژه‌ها را تعیین کنید.

الف زرخدان (گردن) فروبرد چندی به جیب درست نادرست

ب نه بیگانه تیمار (غم) خوردش نه دوست درست نادرست

۱۴- معنی درست واژه را از کمانک روبه‌روی آن انتخاب کنید.

الف خدا را بر آن بنده بخشایش (عفو/ عطا) است.

ب بار به این گرانی (قیمتی/ سنگینی) چون می‌کشد؟

- ۱۵- در بیت زیر، کدام واژه به معنای این است که «خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد»؟
- «اگر توفیق او یک سو نهد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای»

۱۶- کدام توضیح، نادرست است؟

۱ چنگ: نوعی ساز که سر آن، خمیده است و تارها دارد.

۲ دون همت: آن که بدون تلاش می‌خواهد به جایی برسد.

۳ شغال: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشت‌خواران است.

۱۷- تلفظ و معنی واژه «قوت» در کدام گزینه با تلفظ و معنی آن در بیت زیر، یکسان است؟

«دگر روز باز آتفاق اوفتاد که روزی‌رسان، قوت روزش بداد»

۱ بریان نخورم که هم زبان است

۲ ما نتوانیم و عشق، پنجه درانداختن

۱۸- تفاوت معنایی واژه «چنگ» را در بیت‌های زیر توضیح دهید.

۱ در این بود درویش شوریده‌رنگ

۲ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

۱۹- کدام گزینه، متضاد واژه «ادبار» است؟

۱ اقبال ۲ توفیق ۳ دغل ۴ احسان

املا

۲۰- کدام یک از واژه‌های زیر، اهمیت املائی ندارد؟

۱ نژند ۲ ادبار ۳ اقبال ۴ ترازو

۲۱- املائی درست واژه را انتخاب کنید و بنویسید.

۱ ز دیوار (محرابش / مهرباش) آمد به گوش

۲۲- در کدام گزینه، غلط املائی یافت می‌شود؟

۱ تیمارخوار ۲ حلاوت‌سنج ۳ زبون و خار ۴ ضایع و تباه

۲۳- در کدام دو بیت، غلط املائی وجود دارد؟ صورت درست آن‌ها را بنویسید.

۱ معیار دوستان دغل، روز حاجت است

۲ زنخدان فروربرد چندی به جیب

۳ برو شیر دژنده باش ای دغل

۲۴- در گروه‌واژه‌های زیر، املائی چند واژه نادرست است؟

«لطف و صنع - دون همت و زبون - ذنخدان و چانه - قرین حال - عار و ننگ - صورت بی حد غیب - حمیت و غیرت»

۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۲۵- در عبارت زیر، نادرستی‌های املائی را بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

«عاقل به ادبار و اقبال کارها بنگرد و فرصت، ضایع نگرداند. به نیروی همت و بازوی همیت به خدمت خلق بشتابد و جز به اصلاح زشتی‌ها نیاندیشد تا صواب آخرت قرین حال وی گردد.»

دستور

۲۶- معنی فعل «شد» در کدام گزینه با معنی آن در بیت زیر، یکسان است؟

«یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد»

۱ آتش رخسار گل، خرمن بلبل بسوخت

۲ گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت

۳ شاهد عهد شیب، آمده بودش به خواب

۴ منزل حافظ کنون، بارگه پادشاست

۲۷- از چه طریقی می‌توان به معنای واژه «چنگ» در بیت زیر پی برد؟

«من که شبها ره تقوا زدهام با دف و چنگ این زمان، سر به ره آرم چه حکایت باشد»

۱ قرارگرفتن واژه در جمله ۲ رابطه معنایی



- ۲۸- به کمک کدام رابطه معنایی می‌توان به معنای واژه «تند» در بیت زیر دست یافت؟
 «باید آهسته ز پیران جهان دیده گذشت / نتوان تند به اوراق خزان دیده گذشت»
 ۱) ترادف ۲) تضاد ۳) تناسب ۴) تضمن
- ۲۹- نوع رابطه معنایی گروه‌واژه‌های زیر را بنویسید.
 حیوان و شغال: حلاوت و تلخی: جیب و گریبان:
- ۳۰- در کدام بیت، دو فعل «اسنادی» دیده می‌شود؟
 ۱) کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه
 ۲) گرم ورزد آن سر، که مغزی در اوست / که دونه‌متانند بی مغز و پوست
 ۳۱- در بیت زیر، حرف ربط (پیوند) را پیدا کنید و نوع آن را بنویسید.
 «چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش»
 ۳۲- نوع دستوری «را» در کدام گزینه، متفاوت است؟
 ۱) شغال نگون‌بخت را شیر خورد / مینداز خود را چو روباه شل
 ۲) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد / نه خود را بیفکن که دستم بگیر
 ۳۳- نقش دستوری «ضمایر پیوسته» را در بیت زیر، تعیین کنید.
 «با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست»
 ۳۴- «نوع حذف فعل» را در هر یک از بیت‌های زیر بنویسید.
 ۱) در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد، شغالی به چنگ
 ۲) و گر توفیق او یک سو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای
 ۳۵- با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.
 «خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی»
 ۱) زمان افعال را بنویسید.
 ۲) نقش واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید.
 ۳) جمله پایه (هسته) و جمله پیرو (وابسته) را مشخص کنید.
 ۳۶- در بیت «بگیر ای جوان، دست درویش پیر/ نه خود را بیفکن که دستم بگیر»: چند جمله وجود دارد؟
 ۱) «منادا» و «مفعول»ها را پیدا کنید.
 ۲) نوع ترکیب‌ها را از نظر «وصفی» یا «اضافی» بودن تعیین کنید.
 ۳۷- با توجه به دوبیتی زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.
 «سحر دیدم درخت ارغوانی / کشیده سر به بام خسته‌جانی
 به گوش ارغوان، آهسته گفتم / بهار ت خوش که فکر دیگرانی»
 ۱) کدام فعل‌ها و به چه قرینه‌ای حذف شده‌اند؟
 ۲) پیوند به کاررفته و نوع آن را تعیین کنید.
 ۳) نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 ۴) چند «مسند» وجود دارد؟ مشخص کنید.

قلمرو ادبی

آرایه

- ۳۸- در بیت زیر، کدام آرایه دیده نمی‌شود؟
 «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»
 ۱) تشبیه ۲) حس آمیزی ۳) تضاد ۴) جناس
- ۳۹- «ارکان تشبیه» را در مصراع «چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟» تعیین کنید.

۴۰- در کدام گزینه، «وجه شبه» نادرست، بیان شده است؟

۱ کزین پس به کنجی نشینم چو مور (به کنجی نشستن)

۲ چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست (رگ و استخوان و پوست ماندن)

۳ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر (از تو ماندن)

۴ مینداز خود را چو روباه شل (شل بودن)

۴۱- آرایه ادبی مناسب هر بیت را از ستون چپ بیابید و بنویسید. (یک آرایه، اضافه است).

| «پ» | «الف» |
|--------------|--|
| (۱) تضاد | الف) شغال نگون بخت را شیر خورد ب) کمال عقل، آن باشد در این راه پ) به ترتیبی نهاده وضع عالم |
| (۲) جناس | بماند آنچه روباه از آن سیر خورد که گوید نیستم از هیچ آگاه که نی یک موی باشد بیش و نی کم |
| (۳) حس آمیزی | - |
| (۴) استعاره | - |

۴۲- آرایه «ایهام تناسب» به کاررفته در بیت زیر را توضیح دهید.

«نه بیگانه، تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»

۴۳- جای خالی را با توجه به آرایه خواسته شده در بیت، پر کنید.

کاربرد واژه‌های قافیه در بیت زیر، سبب خلق آرایه شده است.

«زنخندان فروربرد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب»

۴۴- با توجه به قسمت‌های مشخص شده، نام آرایه مورد نظر را در کمانک روبه‌روی هر بیت بنویسید..

الف) گزم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون همتانند بی مغز و پوست (.....)

ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای (.....)

۴۵- نوع اضافه در مصراع «در نایسته احسان گشاده‌ست»، تشبیهی است یا استعاره؟

۴۶- جناس و نوع آن را در بیت زیر، تعیین کنید.

«با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست»

۴۷- در کدام بیت، یکی از دو آرایه مقابل آن، نادرست آمده است؟

۱) گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت قطره باران ما، گوهر یکدانه شد (تشبیه - استعاره)

۲) بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش (مجاز - تلمیح)

۳) بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر (تضاد - کنایه)

۴) به نام چاشنی بخش زبان‌ها حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها (حس آمیزی - جناس)

۴۸- بیت زیر، به آرایه‌های ادبی کدام گزینه، آراسته شده است؟

«و گر توفیق او یک سو نهد پای نه از تدبیر، کار آید نه از رای»

۱) تشخیص - ایهام - تضاد - جناس

۲) تشخیص - حس آمیزی - کنایه - واج آرایه

۴۹- در ابیات زیر، کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیر برآمد، شغالی به چنگ

ب) زنخندان فروربرد چندی به جیب که بخشنده، روزی فرستد ز غیب

۵۰- در بیت‌های زیر، نمادها را پیدا کنید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

الف) برو شیر درنده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل

ب) کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور

تاریخ ادبیات

۵۱- نام سراینده هر یک از آثار زیر را بنویسید.

بوسستان

فرهاد و شیرین

بهارستان

قلمرو فکری

بیان معنی

بیت‌ها و عبارتهای زیر را به نثر ساده و روان، معنی کنید.

- ۵۲- بلند آن سر که او خواهد بلندش
 ۵۳- بخور تا توانی به بازوی خویش
 ۵۴- خرد را گر نبخشد روشنایی
 ۵۵- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
 ۵۶- و گر توفیق او یک سو نهد پای
 ۵۷- زنخدا فروربرد چندی به جیب
 ۵۸- نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
 ۵۹- در نابسته احسان گشاده‌ست
 ۶۰- کسی نیک بیند به هر دو سرای
 ۶۱- کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
 ۶۲- بگیر ای جوان دست درویش پیر
 ۶۳- خدا را بر آن بنده بخشایش است
 ۶۴- برو شیر دژنده باش ای دغل
 ۶۵- چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
 ۶۶- فروماند در لطف و صنع خدای
 ۶۷- [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟
 ۶۸- مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند.

درک مطلب

- ۶۹- درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.
 «یقین، مرد را دیده، بیننده کرد»
 ۷۰- با توجه به بیت زیر، «رحمت و گذشت خداوند»، شامل حال چه کسانی می‌شود؟
 «خدا را بر آن بنده، بخشایش است» که خلق از وجودش در آسایش است»
 ۷۱- بیت «در نابسته احسان گشاده‌ست/ به هر کس آن چه می‌بایست داده‌ست» به کدام صفت باری تعالی اشاره دارد؟
 ۷۲- سعدی در هر یک از ابیات زیر، به چه چیز توصیه و سفارش می‌کند؟
 چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
 چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟
 بگیر ای جوان، دست درویش پیر
 نه خود را بیفکن که دستم بگیر
 ۷۳- با توجه به بیت «اگر لطفش قرین حال گردد/ همه ادبارها، اقبال گردد»، بهره‌مندی از لطف خداوند، چه ثمره‌ای دارد؟
 ۷۴- مفهوم کلی قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.
 به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
 حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها
 کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
 که دون‌هم‌تانه بی مغز و پوست
 ۷۵- شاعر در بیت «و گر توفیق او یک سو نهد پای/ نه از تدبیر، کار آید نه از رای»، شرط کارآمدی تدبیر و خردورزی را در چه می‌داند؟
 ۷۶- با توجه به بیت «کسی نیک بیند به هر دو سرای/ که نیکی رساند به خلق خدای» پاداش نیکوکاری چیست؟
 ۷۷- آیه «لَیْسَ لِلْإِنْسَانِ أَلَّا مَا سَعَى» (برای انسان، چیزی جز نتیجه تلاش او نیست.) با کدام بیت، ارتباط مفهومی دارد؟
 چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
 چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟
 بخور تا توانی به بازوی خویش
 که سعیت بود در ترازوی خویش

۷۸- چه ارتباطی بین این درس (نیکی) و مثل «از تو حرکت، از خدا برکت» وجود دارد؟

۷۹- بیت «رزق، هر چند بی گمان برسد/ شرط عقل است جستن از درها» با کدام بیت، تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ برو شیر درنده باش ای دغل
مینداز خود را چو روباه شل
- ۲ کسی نیک بیند به هر دو سرای
که نیکی رساند به خلق خدای

۸۰- بیت «چه در کار و چه در کار آزمون/ نباید جز به خود محتاج بودن» با کدام بیت، ارتباط مفهومی بیشتری دارد؟

- ۱ بگیر ای جوان، دست درویش پیر
نه خود را بیفکن که دستم بگیر
- ۲ بخور تا توانی به بازوی خویش
که سیعت بوَد در ترازوی خویش

۸۱- بیت زیر بر چه موضوعی تأکید دارد؟

«کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ آگاه»

۸۲- شاعر در بیت «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست/ که دون همتانند بی مغز و پوست» بخشش و نیکی کردن را از صفات چه کسانی می داند؟

۸۳- پیام کلی و مفهوم دوبیتی زیر، به کدام گزینه نزدیک است؟

«سحر دیدم درخت ارغوانی
کشیده سر به بام خسته جانی

به گوش ارغوان آهسته گفتم
بهارت خوش، که فکر دیگرانی»

- ۱ کسی نیک بیند به هر دو سرای
که نیکی رساند به خلق خدای
- ۲ گل بی رخ یار، خوش نباشد
بی باده، بهار خوش نباشد

۸۴- با توجه به بیت «معیار دوستان دغل، روز حاجت است/ قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب» با چه ملاکی می توان دوستان واقعی را از دوست نمایان باز شناخت؟

۸۵- شاعر در بیت «فخری که از وسیلت دون همتی رسد/ گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار» به چه امری توصیه و سفارش می کند؟

۸۶- کدام بیت، با بیت زیر، اشتراک مفهومی دارد؟

«بلند آن سر، که او خواهد بلندش
نژند آن دل، که او خواهد نژندش»

- ۱ همه بیشی، پیش او اندکی است
بزرگی و خردی به پیشش یکی است
- ۲ عزیز و خواری تو بخشی و بس
عزیز تو خواری نبیند ز کس

۸۷- نویسنده در عبارت «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»، به کدام موضوع اخلاقی، توصیه و سفارش می کند؟



درس

۱

ستایش (لطف خدا) - نیکی -
گنج حکمت (همت)

* قلمرو زبانی *

واژگان

* واژه‌نامه *

چاشنی بخش: آن چه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن، اضافه می‌شود.
چاشنی: مزه، طعم
حلاوت: شیرینی
نژند: خوار و زبون
ادبار: بدبختی، سیه‌روزی (متضاد اقبال)
اقبال: خوشبختی، سعادت (متضاد ادبار)
توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن
تیره‌رایی: بداندیشی، گمراهی
فروماندن: متحیر شدن
شوریده‌رنگ: آشفته‌حال

* سایر واژگان *

احسان: بخشش
قرین: همراه، یار
صنع: ساختن، آفرینش
نگون‌بخت: بدبخت، بیچاره
تیمار: غم، حمایت (تیمار خوردن): غمخواری و پرستاری کردن
محراب: بالا و صدر مجلس، جای ایستادن پیش‌نماز
وامانده: باقی‌مانده، پس‌مانده
بخشایش: عفو، درگذشتن (بخشش): دادن، عطا کردن
نام و ننگ: آبرو و اعتبار
وسیلت: وسیله، سبب
عار: ننگ، عیب، رسوایی
ضایع: تباه، نابود
تفرج: گردش، سیر و تماشا
حکمت: دانش، دانایی
گران: سنگین

* گروه‌های املائی با روابط واژگانی *

ترادف: حلاوت و شیرینی - زرخدان و چانه - حمیت و غیرت - قوت و غذا - قوت و نیرو - خوار و زبون - ضایع و تباه - دغل و حيله‌گر - قرض و وام

۱- منظور، واژه‌هایی است که در واژه‌نامه انتهای کتاب درسی آمده‌اند.

۲- منظور، واژه‌های مهمی است که در واژه‌نامه انتهای کتاب درسی نیامده‌اند.

تضاد: ادبار و اقبال - غیب و آشکار - دون‌همت و والا
تناسب: لطف و صنع - محراب و مسجد
تضمن: شغال و حیوان - ارغوان و گل
هم‌خانواده: صنع و صنعت - قرین و مقرون
ترکیب‌ها: حلاوت‌سنج معنی - تیمار خوردن (تیمار خوار) - صورت بی صورت

* املائی واژه‌های هم‌آوا *

خوار: پست و فرومایه
خورد: کوچک و ناچیز
خار: تیغ درخت و بوته
خورد: بن ماضی از «خوردن»

* دستور *

* پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز *

پیوندهای هم‌پایه‌ساز: بین دو جمله هم‌پایه به کار می‌روند و پرکاربردترین آن‌ها عبارت‌اند از: «و»، «اما»، «ولی»، «یا».

* مثال *

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
شد و تکیه بر آفریننده کرد
همه ساره همه ساره

نکته: اگر حرف «و» بین دو واژه هم‌نقش بیاید، در این صورت، پیوند هم‌پایه‌ساز نیست، نشانه عطف است؛

* مثال *

یکی روبه‌ی دید بی دست و پای معطوف
فروماند در لطف و صنع خدای معطوف

پیوندهای وابسته‌ساز: در جمله‌های مرکب، همراه با جمله وابسته (پیرو) می‌آیند و پرکاربردترین آن‌ها عبارت‌اند از: «که»، «چون/چو (= وقتی که، زیرا که)، تا (= برای این که، همین که، مادامی که)، «اگر/اگر آ، اگر چه، زیرا، با این که»؛

* مثال *

اگر لطفش قرین حال گردد
همه ادب‌ها اقبال گردد
همه ساره همه ساره (پایه)

* نکات *

۱ حرف «چون/چو» در معنی «وقتی که و زیرا که» پیوند وابسته‌ساز است؛ ولی در معنی «مثل و مانند» حرف اضافه محسوب می‌شود؛

* مثال *

چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
= وقتی که (پیوند وابسته‌ساز)
ز دیوار محرابش آمد به گوش
نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
= مانند (حرف اضافه)

۲ حرف «تا» در معنی «برای این که، همین که، مادامی که»، پیوند وابسته‌ساز است، ولی در معنی «فاصله زمانی و مکانی»، حرف اضافه شمرده می‌شود؛

* مثال *

بخور تا توانی به بازوی خویش
= مادامی که (پیوند وابسته‌ساز)
که سعیت بود در ترازوی خویش
خورد را گر نبخشد روشنایی
بماند تا ابد در تیره‌رایی
= فاصله زمانی (حرف اضافه)

مثال و گر توفیق او یک سو نهد پای
نه از تدبیر کار آید نه از رای
با یک سو نهادن: کناره‌گیری کردن، همراهی نکردن

در این بود درویش شوریده‌رنگ
که شیری برآمد، شغالی به چنگ
شوریده‌رنگ: کنایه از پریشان و آشفتنه‌حال

شغال نگون‌بخت را شیر خورد
بماند آنچه روباه از آن سیر خورد
نگون‌بخت: کنایه از بدبخت و بیچاره

زنخندان فروبرد چندی به جیب
که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
زنخندان به جیب فروبرد: گوشه‌نشینی و انتظارکشیدن

جناس

۱ جناس همسان (تام): به کاربرد دو یا چند واژه گفته می‌شود که از نظر شکل ظاهری کاملاً یکسان هستند، ولی در معنی تفاوت دارند؛ مانند واژه‌های «چنگ» و «چنگ» در بیت زیر که اولی به معنی «نوعی ساز» و دومی به معنی «پنجه و دست» به کار رفته است:

با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

۲ جناس ناهمسان (ناقص): به کاربرد دو یا چند واژه گفته می‌شود که از نظر شکل ظاهری کاملاً یکسان نیستند؛ بلکه ظاهری نزدیک به یکدیگر دارند و معنی آن‌ها متفاوت است و شامل انواع زیر است:

الف جناس ناهمسان اختلافی: اختلاف واژه‌ها در یکی از حرف‌های «اول، وسط یا آخر» آن‌هاست؛ مانند واژه‌های «شیر» و «سیر»، در بیت زیر، که تنها در حرف اول با یکدیگر اختلاف دارند:

چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

ب جناس ناهمسان افزایشی: یکی از واژه‌ها بر دیگری یک حرف اضافه دارد؛ مانند واژه‌های «نیک» و «نیکی» در بیت زیر:

کسی نیک بیند به هر دو سرای
که نیکی رساند به خلق خدای

ج جناس ناهمسان حرکتی: اختلاف واژه‌ها در یکی از مصوت‌های کوتاه «ی، ا، و» است؛ مانند واژه‌های «گل» و «گِل» در بیت زیر:

نوبهار است بر آن کوش که خوش‌دل باشی
که بسی گِل بدمد باز تو در گِل باشی

تشبیه

آن است که کسی یا چیزی را از نظر داشتن ویژگی یا صفتی به کسی یا چیز دیگری مانند کنند؛ برای مثال در بیت زیر، «م» (درویش)، در ویژگی «به کنجی نشستن» به «مور» (مورچه)، مانند شده است:

کز این پس به کنجی نشینم چو مور
که روزی نخوردند پیلان به زور
همان‌گونه که می‌بینید، هر تشبیه در اصل چهار رکن دارد:

- ۱ مشبّه: کسی یا چیزی که می‌خواهیم آن را تشبیه کنیم. ← «م» (درویش)
- ۲ مشبّه‌به: کسی یا چیزی که مشبّه را به آن تشبیه می‌کنیم. ← مور (مورچه)
- ۳ ادات تشبیه: واژه‌ای که مفهوم مشابَهت را می‌رساند. ← چو

۲ ممکن است «پیوند وابسته‌ساز» از جمله حذف شده باشد؛

مثال درس نخوانی، موفق نمی‌شوی. ← اگر [درس نخوانی، موفق نمی‌شوی.

کاربرد «شدن» در معنای غیر اسنادی

«شدن» در متن‌های قدیمی، علاوه بر معنای «اسنادی»، گاه در معنای «رفتن، سببری شدن و گذشتن» به عنوان فعل «غیراسنادی» به کار می‌رفته است؛

مثال

بقین، مرد را دیده، بیننده کرد
شد و تکیه بر آفریننده کرد
= رفت (غیراسنادی)

گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت
قطره باران ما، گوهر یکدانه شد
اسنادی

منزل حافظ کنون، بارگه پادشاست
دل، بر دلدار رفت، جان، بر جانانه شد
= رفت (غیراسنادی)

شیوه‌های پی‌بردن به معنای واژه‌ها

معنای برخی از واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیره سخن قابل درک است؛ به طور کلی به دو شیوه زیر، دقیق‌تر می‌توان به معنای واژه‌ها پی برد:

قرار گرفتن واژه در جمله: در این شیوه، با توجه به ساختار و مفهوم جمله، به معنای واژه مورد نظر پی می‌بریم؛ برای مثال در جمله «الف»، با توجه به عبارت «طولانی‌بودن»، و در جمله «ب» با توجه به عبارت «تابناک‌بودن» به معنای متفاوت «ماه» پی می‌بریم:

- الف ماه، طولانی بود. (جزئی از سال) ← ماه، تابناک بود. (جرم آسمانی)
توجه به رابطه‌های معنایی: به کمک یکی از رابطه‌های معنایی «ترادف، تضاد، تناسب و تضمین» به معنای واژه مورد نظر دست می‌یابیم؛ برای مثال، به کمک رابطه‌های مذکور می‌توانیم به تفاوت معنایی واژه «سیر» در گروه‌های زیر دست یابیم:
- الف سیر و بیزار ← ترادف (واژه‌ها با یکدیگر مترادف و هم‌معنی هستند).
ب سیر و گرسنه ← تضاد (واژه‌ها با یکدیگر متضاد و مخالف هستند).
ج سیر و پیاز ← تناسب (واژه‌ها متناسب‌اند و رابطه مراعات نظیر دارند).
د سیر و گیاه ← تضمین (یکی از واژه‌ها زیرمجموعه دیگری است).

ایهام تناسب

در ایهام تناسب، برخلاف ایهام، فقط یکی از دو معنی واژه، پذیرفتنی است و معنی دیگر آن، پذیرفتنی نیست؛ بلکه با واژه یا واژه‌هایی در بیت یا عبارت، رابطه تناسب (مراعات نظیر) دارد؛ برای مثال در بیت زیر از درس، واژه «چنگ» در معنی پذیرفتنی «نوعی ساز» به کار رفته است، ولی در معنی ناپذیرفتنی «پنجه و دست» با واژه‌های «رگ، استخوان و پوست» تناسب دارد:

نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

قلمرو ادبی

آرایه

کنایه

به معنی «پوشیده سخن‌گفتن» است؛ به کاربرد ترکیب یا عبارتی گفته می‌شود که دارای دو معنی ظاهری و باطنی است که معنی باطنی و مفهوم آن مورد نظر گوینده است؛

۴ وجه شبه: ویژگی یا صفت مشترک میان مشبه و مشبه‌به است. ←
به کنجی نشستن

از چهار رکن تشبیه، «مشبه» و «مشبه‌به»، «طرفین تشبیه هستند و آن‌ها را نمی‌توان حذف کرد؛ ولی دو رکن «ادات تشبیه» و «وجه‌شبه» قابل حذف هستند؛

مثال

گریهٔ شام و سحر، سُکر که ضایع نگشت
قطرهٔ باران ما، گوهر یکدانه شد

اضافهٔ تشبیهی: اگر طرفین تشبیه، یعنی «مشبه» و «مشبه‌به» در قالب یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) به یکدیگر اضافه شوند، ترکیب حاصل، «اضافهٔ تشبیهی» نامیده می‌شود؛ مانند ترکیب «گوهر اشک» در بیت زیر:

چشمی که نه فتنهٔ تو باشد
چون گوهر اشک غرق خون باد

دانش ادبی

نماد

هرگاه واژه‌ای با حفظ معنی اصلی خود، نشانه و مظهر معنی یا معانی دیگری قرار گیرد، «نماد» خوانده می‌شود؛ برای مثال در این درس، روباه نماد «افراد ناتوان و وابسته به دیگران»، شیر نماد «انسان‌های تلاشگر و بخشنده» شغال نماد «انسان‌های بدبخت و بیچاره» و درویش نماد «انسان‌های ساده، کوتاه‌اندیش و خوش‌خیال» است.

هم‌چنین در بیت زیر از همین درس، «مور» (مورچه)، نماد «انسان‌های ضعیف» و پیل (فیل) نماد «انسان‌های قوی و قدرتمند» است:

کز این پس به کنجی نشینم چو مور
که روزی نخوردند پیلان به زور

تاریخ ادبیات

- فرهاد و شیرین (نظم) — سرودهٔ — وحشی بافقی
 - بوستان (نظم) — سرودهٔ — سعدی
 - بهارستان (نثر/نثر آمیخته به نظم) — نوشتهٔ — جامی
- عبارت زیر از کتاب «بهارستان» نوشتهٔ «جامی» است:
«مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند؛ نه قوت تن.»

قلمرو فکری

معنی و مفهوم

ستایش (لطف خدا)

به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

معنی: سخن خود را با نام خداوندی شروع می‌کنم که به کلام، گிரایی و به معنی در بیان و گفتار، شیرینی می‌بخشد.

مفهوم: خداوند، زینت‌بخش سخن است.

بلند آن سر که او خواهد بلندش
نژد آن دل، که او خواهد نژندش

معنی: هر کس را که خداوند، سربلند و عزیز بخواند، سربلند و عزیز می‌شود و آن را که پست و زبون بخواند، پست و زبون می‌شود.

مفهوم: عزت و ذلت به خواست خداوند است.

در نایستهٔ احسان گشاده‌ست
به هر کس آن‌چه می‌بایست داده‌ست

معنی: لطف و بخشش خداوند، بی‌پایان و در آن به روی همه باز است و به هر کس، آن‌چه را که شایستهٔ اوست، می‌دهد.

مفهوم: لطف و بخشش خداوند، همیشگی و همگانی است.

به ترتیبی نهاده وضع عالم
که نی یک موی باشد بیش و نی کم

معنی: خداوند، جهان را به گونه‌ای آفریده است که ذره‌ای زیاد و کم ندارد.

مفهوم: نظام احسن آفرینش (حسابگری در آفرینش جهان)

اگر لطفش قرین حال گردد
همه ادب‌ارها، اقبال گردد

معنی: اگر لطف و مهربانی خداوند، با کسی همراه شود، همهٔ بدبختی‌ها به خوشبختی تبدیل می‌شود.

مفهوم: لطف خداوند، موجب خوشبختی است.

و گر توفیق او یک سو نهد پای
نه از تدبیر کار آید نه از رای

معنی: اگر توفیق و عنایت خداوند با کسی همراه نباشد، چاره‌جویی و اندیشه‌ورزی او بی‌فایده است.

مفهوم: ناتوانی تدبیر و چاره‌اندیشی در برابر ارادهٔ الهی

خرد را گر نبخشد روشنایی
بماند تا ابد در تیره‌رایی

معنی: اگر خداوند به اندیشه و خرد، درک و بصیرت نبخشد، برای همیشه در گمراهی خواهد ماند.

مفهوم: روشنگری عقل و اندیشه در سایهٔ لطف و عنایت الهی ممکن است.

کمال عقل، آن باشد در این راه
که گوید نیستیم از هیچ آگاه

معنی: بالاترین مرتبهٔ عقل در راه شناخت حقیقت هستی و خداوند این است که به نادانی خود، اعتراف کند.

مفهوم: ناتوانی انسان از شناخت راز هستی و ادراک حق

نیکی

یکی روبه‌هی دید بی دست و پای
فروماند در لطف و صنع خدای

معنی: شخصی روباه بی دست و پای را دید و از لطف و آفرینش خداوند شگفت‌زده شد.

مفهوم: اظهار شگفتی و حیرت‌زدگی از آفرینش خدا

که چون زندگانی به سر می‌برد؟
بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟

معنی: که این روباه چگونه زندگی خود را سپری می‌کند و با این ناتوانی و بی دست و پای از کجا غذا می‌خورد؟

مفهوم: شگفت‌زدگی و عجز از درک اسرار آفرینش

در این بود درویش شوریده‌رنگ
که شیری برآمد، شغالی به چنگ

معنی: درویش آشفته‌حال و متعجب، در این فکر بود که شیری با شغالی در چنگالش آمد.

شغال نگون‌بخت را شیر خورد
بماند آن‌چه روباه از آن، سیر خورد

**بگیر ای جوان، دست درویش بگیر
نه خود را بیفکن که دستم بگیر**

معنی: ای جوان، به انسان‌های فقیر و نیازمند کمک و یاری رسان و خودت را به ناتوانی نزن که از دیگران، یاری و کمک بخواهی.

مفهوم: توصیه به کمک به نیازمندان و پرهیز از ناتوانی و ابراز احتیاج کردن خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است **معنی:** لطف و بخشایش خداوند، شامل حال بنده‌ای می‌شود که خلق خدا از وجودش در آسایش و راحتی باشند.

مفهوم: یاری‌رسانی به خلق خدا مایهٔ رحمت الهی است.

**کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
که دون‌هم‌تانند بی مغز و پوست**

معنی: انسان خردمند است که بخشش می‌کند؛ زیرا انسان‌های پست‌همت که اهل بخشش نیستند، بی‌خردند و تنها پوست و ظاهری از انسان بودن دارند. **مفهوم:** بخشندگی نشانهٔ دانایی و کوتاه‌همتی نشانهٔ نادانی است.

**کسی نیک بیند به هر دو سرای
که نیکی رسانند به خلق خدای**

معنی: کسی در دنیا و آخرت، نیکی خواهد دید که به خلق خدا نیکی کند. **مفهوم:** نیکی در حق خلق خدا سبب سعادت‌مندی در دنیا و آخرت است.

انباتی از کارگاه متن پژوهی

**رزق، هرچند بی‌گمان برسد
شرط عقل است جُستن از درها**

معنی: هرچند که مطمئناً روزی به بندگان خواهد رسید، اما شرط عقل این است که برای دستیابی به آن باید تلاش کرد.

مفهوم: روزی مقدر است؛ ولی برای کسب آن باید تلاش کرد.

**سحر دیدم درخت ارغوانی
کشیده سر به بام خسته‌جانی**

معنی: سحرگاه، درخت ارغوانی را دیدم که خود را به بام خانهٔ درمانده و ناتوانی رسانده بود.

**به گوش ارغوان، آهسته گفتم
بهارت خوش، که فکر دیگرانی**

معنی: آهسته به او گفتم: همیشه روزگارت خوش باد؛ چون به فکر دیگران هستی.

مفهوم: سفارش به نیکی کردن در حق دیگران

**چه در کار و چه در کار آزمودن
نباید جز به خود، محتاج‌بودن**

معنی: چه در انجام کار و چه در کسب تجربه، انسان باید محتاج و متکی به خود باشد.

مفهوم: سفارش به اتکا به خود و پرهیز از وابستگی به دیگران

کتب حکمت (همت)

این مور را ببینید که اباراً به این گرانی چون می‌کشد؟

معنی: این مورچه را ببینید که چگونه بار به این سنگینی را می‌کشد.

مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.

معنی: «جوانمردان، بار را با قدرت اراده و نیروی جوانمردی می‌کشند، نه با قدرت و نیروی بدنی.»

مفهوم: برتری همت و غیرت بر نیروی جسمانی

معنی: شیر، شغال بدبخت را خورد و از باقی‌ماندهٔ آن، روباه خورد و سیر شد. **مفهوم:** واسطه‌بودن شیر در روزی‌رسانی

**دگر روز باز اتفاق اوفتاد
که روزی‌رسان، قوت روزش بداد**

معنی: روز بعد، دوباره چنین اتفاقی افتاد که خداوند روزی‌رسان، خوراک روزانهٔ روباه را به او داد.

مفهوم: رزاق بودن خداوند

**یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
شد و تکیه بر آفریننده کرد**

معنی: ایمان قلبی درویش به روزی‌رسانی خداوند، چشم وی را باز کرد و به او بصیرت داد؛ بر این اساس رفت و به خداوند تکیه کرد.

مفهوم: اعتماد و یقین پیدا کردن به روزی‌رسانی خداوند

**کز این پس به کنجی نشینم چو مور
که روزی نخوردند پیلان به زور**

معنی: [درویش با خود گفت] که از این پس مانند مورچه در گوشه‌ای [در انتظار روزی] می‌نشینم؛ زیرا حتی فیل‌ها نیز با نیروی خود، روزی نمی‌خورند.

مفهوم: اعتقاد به روزی‌رسانی همگانی خداوند

**زنخندان فرورد چندی به جیب
که بخشنده، روزی فرستد ز غیب**

معنی: [درویش] چندگاهی گوشه‌نشینی اختیار کرد؛ به این امید که خداوند روزی‌رسان از عالم غیب برای او روزی می‌رساند.

مفهوم: گوشه‌نشینی به امید روزی‌رسیدن از غیب

**نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست**

معنی: هیچ کس از بیگانه و آشنا، غمخوارش نشدند؛ همچون ساز چنگ، لاغر شد و تنها رگ و استخوان و پوستی از او باقی ماند.

مفهوم: نکوهش نیازمندی به خلق

**چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
ز دیوار محرابش آمد به گوش**

معنی: وقتی که بر اثر ضعیفی، صبر و هوش برای درویش نماند، از دیوار محراب، این صدا به گوشش رسید.

مفهوم: بی‌صبر شدن بر اثر شدت ضعف و ناتوانی

**برو شیر دژنده باش، ای دَعَل
مینداز خود را چو روباه شَل**

معنی: ای حيله‌گر، برو مانند شیر دژنده باش و با شکار، کسب روزی کن؛ خودت را مانند روباه ضعیف و بی‌دست و پا در گوشه‌ای نینداز و محتاج دیگران نکن.

مفهوم: دعوت به تلاش و پرهیز از وابستگی به دیگران

**چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟**

معنی: آن‌چنان تلاش کن که مانند شیر از تو برای دیگران بهره و نصیبی برسد، نه این‌که مانند روباه از پس‌ماندهٔ غذای دیگران بخوری و سیر شوی.

مفهوم: توصیه به اطعام دیگران و پرهیز از ریزه‌خواری و وابستگی به دیگران

**بخور تا توانی به بازوی خویش
که سعیت بُود در ترازوی خویش**

معنی: تا جایی که می‌توانی، با تلاش خود، روزی کسب کن؛ زیرا نتیجهٔ تلاش تو به خودت خواهد رسید.

مفهوم: توصیه به بهره‌مندی از دسترنج خویش

درک مطلب

بخش‌های مختلف درس و پیام اصلی آن‌ها

- لطف خدا: ستایش خداوند و بیان موضوعاتی چون لطف، فراگیر بودن بخشش‌ها و نیکی‌ها، قدرت اراده، آفرینش‌گری بی‌عیب و نقص خداوند و ناتوانی عقل از ادراک پروردگار و شناخت راز هستی
- نیکی: توصیه به اتکا به خود و تلاش برای کسب روزی و دست‌گیری افراد ناتوان و نیازمند و پرهیز از وابستگی به دیگران
- گنج حکمت (همت): برتری همت و غیرت بر نیروی بدنی
- بیت زیر، «بخشنده‌گی را نشانه دانایی و کوتاه‌همتی را نشانه نادانی می‌داند»:
- کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
که دون‌همتانند بی مغز و پوست
- منظور از بیت زیر، این است «که یقین و ایمان قلبی، موجب آگاهی و بصیرت و توکل به خداوند می‌شود».
- یقین، مرد را دیده بیننده کرد
شد و تکیه بر آفریننده کرد
- بیت زیر، سفارش می‌کند که «انسان، چه در انجام کار و چه در زمان کارآموزی و کسب تجربه باید محتاج و متکی به خود باشد»:
- چه در کار و چه در کار آزمودن
نباید جز به خود، محتاج‌بودن
- بیت زیر، بر «نظام احسن آفرینش» تأکید دارد:
- به ترتیبی نهاده وضع عالم
که نی یک موی باشد بیش و نی کم
- بیت زیر، «انسان را در بالاترین مرحله دانایی هم از ادراک پروردگار و شناخت حقیقت هستی، عاجز و ناتوان می‌داند»:
- کمال عقل آن باشد در این راه
که گوید نیستم از هیچ آگاه

پاسخ سؤالات

- چاشنی بخش: آن‌چه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن، اضافه می‌شود. (چاشنی: مزه، طعم) / فروماند: متحیر شد (فروماندن: متحیر شدن) / صنع: ساختن، آفرینش
 - تیره‌رایی: بداندیشی، گمراهی
 - دغل: ناراست، حيله‌گر / شل: دست و پای از کار افتاده
 - دو‌همتی: کوتاه‌همت بودن، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه بودن (دو‌همت: کوتاه‌همت، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه)
 - غیب: پنهان، نهان از چشم، عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند. / جیب: گریبان، یقه
 - شوریده‌رنگ: آشفته‌حال
 - قوت: رزق روزانه، خوراک، غذا
 - قرین: همراه، یار / ادبار: بدبختی، سیه‌روزی (متضاد اقبال) / اقبال: خوشبختی، سعادت (متضاد ادبار)
 - حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی / قوت: توانایی، نیرو
 - الف) پست ← دون (ب) سنگین ← گران
 - گزینه «۱»؛ خوار و زبون
 - الف) نادرست؛ «زندان» به معنی «چانه» است.
- (ب) درست

۱۴. الف) بخشایش: عفو

توجه) «بخشش» به معنای «عطا» است.

(ب) گرانی: سنگینی (گران: سنگین)

۱۵. توفیق

۱۶. گزینه «۲»؛ «دون‌همت: کوتاه‌همت، آن که دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه است.

۱۷. گزینه «۱»؛ «قوت» بدون تشدید، تلفظ می‌شود و به معنی «رزق روزانه، خوراک

و غذاست». در بیت گزینه (۲)، «قوت» تلفظ می‌شود و به معنی «توانایی و نیرو» است.

۱۸. در بیت «الف» به معنی «جنگال و پنجه دست» و در بیت «ب» به معنی

«نوعی ساز که سر آن، خمیده است و تارها دارد.» به کار رفته است.

۱۹. گزینه «۱»؛ [ادبار(بدبختی و سیه‌روزی ≠ اقبال (خوشبختی و سعادت)]

۲۰. گزینه «۱»؛ نژند آدر این واژه، هیچ‌یک از حروف شش‌گانه دارای اهمیت املایی از

قبیل «ء (ا)، ع، ت، ط، ح، ه، ذ، ز، ض، ظ، ث، س، ص، غ، ق» وجود ندارد.

۲۱. الف) محرابش (ب) صنع

۲۲. گزینه «۳»؛ زبون و خار ← زبون و خوار

۲۳. الف) غرضی (نادرست) ← قرضی (درست)

(پ) میانداز (غلط رسم‌الخطی) ← مینداز (درست)

۲۴. گزینه «۱»؛ ذنخدان و چانه ← زنخدان و چانه

۲۵. حمیت ← حمیت (غیرت، جوانمردی، مردانگی) / نیاندیشد (غلط

رسم‌الخطی) ← نیندیشد / صواب (درست، شایسته) ← ثواب (پاداش)

۲۶. گزینه «۴»؛ (فعل «شد»، در بیت صورت سؤال و گزینه «۴» به معنی «رفت»

و غیراسنادی است.)

۲۷. گزینه «۲»؛ رابطه معنایی (چون واژه «چنگ» با واژه «دف» که هر دو از

آلات موسیقی هستند، رابطه «تناسب» دارد.)

۲۸. گزینه «۲»؛ تضاد («تند» با واژه «آهسته» که در بیت به کار رفته است،

رابطه «تضاد» دارد.)

۲۹. الف) حیوان و شغال ← تضغن (ب) حلاوت و تلخی ← تضاد

(پ) جیب و گریبان ← ترادف

۳۰. گزینه «۱»؛ فعل‌های «باشد» و «نیستم» آدر بیت گزینه (۲)، فقط فعل «ند

= هستند» (در «دون‌همتانند»، اسنادی است. فعل «است» در مصراع اول، به

معنی «وجود داشتن» به کار رفته است؛ در نتیجه اسنادی محسوب نمی‌شود.]

۳۱. چو ← پیوند وابسته‌ساز

۳۲. گزینه «۳»؛ «را» در این گزینه، از نوع «فک اضافه» است؛ یعنی بین مضاف‌الیه و

مضاف آمده است. (مرد را دیده = دیده‌مرد) «را» در سایر گزینه‌ها، «نشانه مفعول» است.

۳۳. «م» در «پندم»، متمم است. (پندم می‌دهی = به من پند می‌دهی)، «م»

در «زمانم»، مضاف‌الیه «گوش» است. (کاین زمانم گوش بر چنگ است = که این

زمان گوشم بر چنگ است.)

۳۴. الف) حذف به قرینه معنوی (فعل «داشت»، بعد از واژه «چنگ»، با توجه به

معنی جمله، حذف شده است.)

(ب) حذف به قرینه لفظی (فعل «کار آید»، بعد از واژه «رای» به قرینه «کار آید»

در جمله پیش از آن حذف شده است.)

۳۵. الف) نبخشد: مضارع التزامی / بماند (= می‌ماند): مضارع اخباری (ب) خرد:

متمم (خرد را = به خرد) / روشنایی: مفعول

(پ) مصراع اول: جمله پیرو (وابسته) / مصراع دوم: جمله پایه (هسته)

توجه) [حرف «تا» در مصراع دوم، به معنی «فاصله»، حرف اضافه است؛ نه

حرف ربط (پیوند وابستگی)]

۵۱. الف) بهارستان (به نثر): جامی
ب) فرهاد و شیرین (به نظم و در قالب مثنوی): وحشی بافقی
پ) بوستان (به نظم و در قالب مثنوی): سعدی
۵۲. هر کس را که خداوند، سربلند و عزیز بخواد، سربلند و عزیز می‌شود و آن را که پست و زبون بخواد، پست و زبون می‌شود.
۵۳. تا جایی که می‌توانی با تلاش خود، روزی کسب کن؛ زیرا نتیجه تلاش تو به خودت خواهد رسید.
۵۴. اگر خداوند به اندیشه و خرد، درک و بصیرت ندهد، برای همیشه در گمراهی خواهد ماند.
۵۵. ایمان قلبی درویش به روزی‌رسانی خداوند، چشم او را باز کرد و به او بصیرت داد؛ بر این اساس رفت و به خداوند تکیه کرد.
۵۶. و اگر توفیق و عنایت خداوند با کسی همراه نباشد، چاره‌جویی و اندیشه‌ورزی او بی‌فایده است.
۵۷. [مرد درویش] چند گاهی گوشه‌نشینی اختیار کرد؛ به این امید که خداوند روزی‌رسان، از عالم غیب برای او روزی می‌رساند.
۵۸. هیچ کس از بیگانه و آشنا، غمخوارش نشد؛ چون ساز چنگ، لاغر شد و تنها رگ و استخوان و پوستی از او باقی ماند.
۵۹. لطف و بخشش خداوند، بی‌پایان و در آن به روی همه باز است و به هر کس، آن‌چه را که شایسته اوست داده است.
۶۰. کسی در دنیا و آخرت، نیکی خواهد دید، که به خلق خدا، نیکی کند.
۶۱. انسان خردمند است که بخشش می‌کند؛ زیرا انسان‌های پست‌همت که اهل بخشش نیستند، بی‌خردند و تنها پوست و ظاهری از انسان‌بودن دارند.
۶۲. ای جوان، به انسان‌های فقیر و نیازمند کمک، باری رسان و خودت را به ناتوانی زن که از دیگران، یاری و کمک بخواهی.
۶۳. لطف و بخشایش خداوند، شامل حال بنده‌ای می‌شود که خلق خدا از وجودش در آسایش و راحتی باشند.
۶۴. ای حيله‌گر، برو مانند شیر دزنده، در کسب روزی، تلاش کن و خودت را مانند روباه ضعیف و ناتوان و محتاج دیگران نکن.
۶۵. آن چنان، تلاش کن که مانند شیر، از تو برای دیگران، بهره و نصیبی برسد؛ نه این‌که مانند روباه از پس‌مانده غذای دیگران بخوری و سیر شوی.
۶۶. از لطف و آفرینش خداوند، شگفت‌زده شد.
۶۷. بار به این سنگینی را چگونه می‌کشد؟
۶۸. جوانمردان، بار را با قدرت اراده و نیروی جوانمردی می‌کشند.
۶۹. یقین و ایمان قلبی، موجب آگاهی و بصیرت و توکل به خداوند می‌شود.
۷۰. کسانی که به خلق خدا خدمت می‌کنند و آن‌ها را به آسایش می‌رسانند.
۷۱. روزی‌رسانی بی‌منتهای خداوند به همه موجودات (رزاق‌بودن)
۷۲. الف) تلاش برای بهره‌مندی خود و دیگران و حفظ عزت نفس
ب) کمک به نیازمندان و پرهیز از اظهار ناتوانی و دوری از وابستگی به دیگران
۷۳. انسان را سعادتمند و خوشبخت می‌کند.
۷۴. الف) زینت‌بخشیدن به کلام/ دلپذیری و جذابیت سخن ب) بی‌خردبودن انسان‌های پست‌همت که اهل بخشش نیستند.
۷۵. بهره‌مندی از توفیق و عنایت الهی ۷۶. بهره‌مندی از نیکی در دنیا و آخرت
۷۷. گزینه «۲»
۷۸. هر دو بر سعی و تلاش در کسب روزی در کنار توکل به خداوند تأکید می‌کنند. (توکل بدون سعی و تلاش را در کسب روزی، نکوهش می‌کنند.)

۳۶. الف) چهار جمله (۱) ای جوان (شبه‌جمله از نوع منادا) (۲) دست درویش پیر بگیر (۳) نه خود را بیفکن (۴) که دستم بگیر [ب]
ب) منادا: جوان / مفعول‌ها: «دست» در مصراع اول و دوم و «خود»
پ) درویش پیر: ترکیب وصفی / دست درویش، دستم (= دست من): ترکیب اضافی
۳۷. الف) فعل کمکی «بود» بعد از «کشیده» در مصراع دوم، و فعل اسنادی «باد» (فعل دعایی)، بعد از «خوش» در مصراع چهارم، هر دو به قرینه معنوی حذف شده‌اند؛
ب) سحر: قید / خسته‌جان: مضاف‌الیه / آهسته: قید / بهار: نهاد / «ت»: مضاف‌الیه
پ) که: پیوند هم‌پایه‌ساز (ت) دو مسند: خوش، فکر
۳۸. گزینه «۲»؛ «حس آمیزی (بررسی آرایه‌ها، تشبیه: چو چنگش ... / تضاد: بیگانه ≠ دوست / جناس: دوست، پوست» (جناس ناهمسان یا ناقص)
۳۹. «ی» در باشی (= تو): مشبه / رویه: مشبه‌به / چو: ادات تشبیه / به و امانده سربودن: وجه‌شبهه
۴۰. گزینه «۴»؛ وجه‌شبهه، «مینداز» است.
۴۱. الف) «(۲) «شیر و سیر» ← جناس ناهمسان
ب) «(۴) نسبت‌دادن عمل «گفتن» به «عقل» ← استعاره از نوع تشخیص است.)
پ) «(۱) (بیش ≠ کم) ← تضاد
۴۲. واژه «چنگ»، ایهام تناسب دارد؛ معنی اصلی آن، در این بیت، «نوعی ساز» است؛ ولی در معنی «چنگال و پنجه دست» (معنی غیراصولی)، با واژه‌های «رگ، استخوان و پوست» تناسب دارد.
۴۳. جناس (واژه‌های «جیب و غیب»، قافیه هستند و با توجه به این‌که اختلاف آن‌ها در یک حرف است، جناس ناهمسان اختلافی را شکل داده‌اند.)
۴۴. الف) سر: مجاز از وجود ب) دو سرای (دو خانه): استعاره از دنیا و آخرت
۴۵. در احسان: اضافه استعاری «احسان» به خانه‌ای تشبیه شده است که «در» دارد.)
۴۶. «چنگ» اول به معنی «نوعی ساز» و «چنگ» دوم به معنی «پنجه دست» ← جناس همسان یا تام (در جناس همسان، واژه‌ها در نوشتار و تلفظ، یکسان، ولی در معنی متفاوت‌اند.)
۴۷. گزینه «۴»؛ «جناس» ندارد؛ نسبت‌دادن «چاشنی» (طعم) به زبان و «حلاوت» (شیرینی) به معنی، «حس آمیزی» دارد.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): تشبیه (قطره باران به گوهر یکدانه) / استعاره: قطره باران (استعاره از اشک)
گزینه (۲): مجاز: سر و دل (مجاز از شخص) / تلمیح: اشاره به آیه «تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلَّ مِنْ تَشَاءٍ» (خداوند، هر که را بخواهد عزت می‌دهد و هر که را بخواهد خوار می‌کند)
گزینه (۳): تضاد: جوان ≠ پیر / کنایه: دست‌گرفتن (کنایه از یاری‌رساندن)، خود را افکندن (کنایه از خود را به ناتوانی زدن)
۴۸. گزینه «۲»؛ اگرچه بیت، ایهام و ایهام تناسب ندارد؛ به آسانی با تضاد و حس آمیزی نیز گزینه‌ها رد می‌شوند.
- بررسی آرایه‌ها: استعاره (نسبت‌دادن ویژگی‌های «پای‌نهادن»، به «توفیق» و «کار برآمدن»، به «تدبیر و رای»، تشخیص و استعاره است.) / کنایه: پا یک سو نهادن (کنایه از همراهی نکردن) / واج‌آرایی: تکرار صامت «ر» و مصوت «ا» / جناس: پای و رای (جناس ناهمسان)
۴۹. الف) شوریده‌رنگ: کنایه از آشفته‌حال
ب) زرخدان به جیب فروبردن: کنایه از گوشه‌نشین‌بودن
۵۰. الف) شیر: نماد انسان‌های قدرتمند و کوشا که علاوه بر تلاش برای کسب روزی خود به دیگران هم بخشش می‌کنند. / روباه: نماد انسان‌هایی که خود را محتاج دیگران می‌دانند و برای کسب روزی تلاش نمی‌کنند و خیرشان هم به کسی نمی‌رسد.

۷۹. گزینه «۱»؛ این بیت و بیت صورت سؤال، هر دو به تلاش برای کسب روزی، توصیه می‌کنند. (مفهوم بیت گزینه (۲) توصیه به نیکی کردن در حق دیگران برای بهره‌مندی از خیر دنیا و آخرت است.)
۸۰. گزینه «۲»؛ مفهوم کلی بیت صورت سؤال و این بیت، این است که باید تلاش کرد و به خود متکی بود، نه محتاج و وابسته دیگران (مفهوم بیت گزینه (۱)، توصیه به دستگیری از افراد فقیر و نیازمند و نکوهش تظاهر به ناتوانی است.)
۸۱. عجز و ناتوانی عقل در شناخت و درک خداوند
۸۲. خردمندان (داناان)
۸۳. گزینه «۱»؛ این بیت و بیت صورت سؤال، هر دو به نیکی کردن در حق دیگران و خلق خدا تأکید دارند. (بیت گزینه (۲)، می‌گوید: بهار و زیبایی‌هایش بدون حضور یار و شراب، صفایی ندارد.)
۸۴. آزمودن آن‌ها هنگام نیاز و مواجهه با مشکلات
۸۵. داشتن مناعت طبع و نکوهش خواهشگری و فرومایگی
۸۶. گزینه «۲»؛ مفهوم مشترک هر دو، این است که «عزت و ذلت بندگان به اراده خداوند است.»
۸۷. داشتن بلندی همت (والاهمتی) و نیروی اراده در انجام امور دشوار

واج‌آرایی (نغمه حروف)

✓ به تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در واژه‌های یک بیت، مصراع یا عبارت گفته می‌شود؛ به گونه‌ای که موسیقی درونی ایجاد کند و بر تأثیر سخن بیفزاید؛ مانند تکرار صامت‌های «ن، ر» و مصوت «ب» در بیت زیر:

• رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن
• تُرک من خراب شبگرد مبتلا کن

تکرار (واژه‌آرایی)

✓ آن است که واژه‌ای را دو یا چند بار، با معنی یکسان در کلام بیاورند؛ به گونه‌ای که بر خوش‌آهنگی آن بیفزاید؛ مانند تکرار واژه «دریغ» در بیت زیر:

• برای من، مگر تو و مگو دریغ! دریغ!
• به دام دیو درافتی، دریغ، آن باشد

مراعات تناسب (تناسب)

✓ به آوردن واژه‌هایی از یک مجموعه (شبکه معنایی) گفته می‌شود که با یکدیگر تناسب و ارتباط دارند؛ مانند واژه‌های «تعطیل، شنبه و آدینه» در بیت زیر:

• بی تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی
• عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟

تضاد

✓ به آوردن دو یا چند واژه «مخالف هم» در یک بیت، مصراع یا عبارت گفته می‌شود؛ به گونه‌ای که بر زیبایی کلام بیفزاید؛ مانند واژه‌های «بگریست» و «بخندید» در این بیت:

• مجنون چو حدیث عشق بشنید
• اول بگریست، پس بخندید

متناقض‌نما (پارادوکس)

✓ آن است که دو چیز متضاد را با هم جمع کنند و یک‌جا بیاورند؛ به گونه‌ای که وجود یکی، دیگری را نقض کند؛ به عبارت دیگر، وجود یکی، بی‌تردید نبود دیگری را در پی داشته باشد؛ برای مثال در بیت زیر، واژه‌های «حاضر» و «غایب»، هم‌زمان به پدیده‌ی واحدی نسبت داده شده‌اند؛ به بیان دیگر، غایب، صفت حاضر واقع شده است که این، امری غیرممکن است؛ زیرا انسانی که حاضر است، نمی‌تواند غایب باشد:

• هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟
• من در میان جمع و دلم جای دیگر است

همین‌طور در بیت زیر، «آرامش طوفانی»، نمونه‌ای از کاربرد آرایه‌ی متناقض‌نماست:

• کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق
• بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

ایهام

✓ به کاربرد یک واژه، دست کم با دو معنی مناسب و پذیرفتنی گفته می‌شود؛ برای مثال در بیت زیر، واژه «مشتري» را با هر دو معنی: «خریدار» و «ستاره معروف» می‌توان به کار برد:

• ما را اگر تو مشتري‌ای، این سعادت است
• بنمای رخ که دیدن روییت، بهار ماست

همین‌طور در عبارت زیر، از واژه «شمس» دو معنی دریافت می‌شود:

۱ خورشید

۲ شمس تبریزی؛ ناگهان آفتاب عشق و شمس حقیقت، در برابر مولانا نمایان شد.

ضمیمه

۱

آرایه‌های ادبی

سجع

✓ به کلمه‌های آهنگین پایانی دو یا چند جمله، «سجع» گفته می‌شود؛ مانند واژه‌های مشخص‌شده در پایان جمله‌های زیر:

• شب به شدت سرد بود، دل روح‌الله به حدت گرم. [بود.]

• آن یکی مُعد حیات است، این یکی مفرح ذات. [است.]

• علم در همه بایی، لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق [است.]

همان‌گونه که می‌بینید این واژه‌های آهنگین به سه شکل می‌آیند:

۱ دارای وزن مشترک (سجع متوازن): سرد و گرم

۲ دارای واج‌های پایانی مشترک (سجع مطّرف): حیات و ذات

۳ دارای وزن و واج‌های پایانی مشترک (سجع متوازی): لایق و فایق

✓ ارزش موسیقایی «سجع متوازی»، از سجع‌های دیگر بیشتر است.

• نثری که در آن، «سجع» به کار رفته باشد، «مسجع» نامیده می‌شود.

نوعه گاهی «سجع» در پایان یک عبارت نیز می‌آید؛ مانند نمونه زیر:

• در ایران آن روز، دو دربار بود! دربار بزم و دربار رزم؛ بزم پدیر، رزم پسر.

جناس

✓ هرگاه دو یا چند واژه دارای ظاهری یکسان یا خیلی نزدیک به هم باشند، ولی معنی آن‌ها متفاوت باشد، «جناس» نامیده می‌شود و شامل انواع زیر است:

۱- جناس همسان (تام): واژه‌ها از نظر شکل ظاهری کاملاً یکسان هستند، ولی در معنی تفاوت دارند؛ مانند واژه‌های همسان «چنگ» و «چنگ» در بیت زیر، که اولی به معنی «نوعی ساز» و دومی به معنی «پنجه و دست» است:

• با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
• کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

۲- جناس ناهمسان (ناقص): واژه‌ها از نظر شکل ظاهری یکسان نیستند؛ بلکه ظاهری نزدیک به یکدیگر دارند و معنی آن‌ها متفاوت است و به انواع زیر تقسیم می‌شود:

الف) جناس ناهمسان (ناقص) اختلافی: اختلاف واژه‌ها در یکی از حرف‌های اول، وسط یا آخر آن‌هاست؛ مانند واژه‌های «فلک» و «ملک» در بیت زیر که اختلاف آن‌ها در حرف اول است:

• ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم
• باز همان‌جا رویم، جمله که آن، شهر ماست

ب) جناس ناهمسان (ناقص) حرکتی: اختلاف واژه‌ها در یکی از مصوت‌های کوتاه «یَ، یِ، یِ» است؛ مانند واژه‌های «زفت» و «زفت» در بیت زیر:

• باید به مژگان زفت گرد از طور سینین
• باید به سینه زفت زین‌جا تا فلسطین

ج) جناس ناهمسان (ناقص) افزایشی: یکی از واژه‌ها نسبت به دیگری، یک حرف اضافه دارد؛ مانند واژه‌های «ناز» و «نیاز» در بیت زیر:

• ناز تو و نیاز تو شد همه دل‌پذیر من
• تا ز تو دل‌پذیر شد هستی ناگزیر من

اجزای فعل

۱- بن: جزء ثابت فعل است و به انواع زیر، تقسیم می‌شود:

| | |
|----------|--|
| بن ماضی | با حذف «ن» از آخر مصدر به دست می‌آید: رفتن ← رفت |
| بن مضارع | با حذف «ب» از اول فعل امر مفرد به دست می‌آید: برو ← رو |

۲- شناسه: جزء متغیّر فعل است و شخص فعل را نشان می‌دهد؛ مانند «م» در «رفتم» که نشانه «اول شخص مفرد» (من) است.

| شناسه‌های فعل | شخص | اول شخص | دوم شخص | سوم شخص |
|---------------|-----|---------|---------|---------|
| مفرد | م | ی | ۵ / ۱ | |
| جمع | یم | ید | ند | |

زمان فعل

● فعل از نظر زمان، سه گونه اصلی دارد: ۱ ماضی ۲ مضارع ۳ آینده. گونه‌های ماضی

| زمان | شیوه ساخت | مثال |
|---------------|---|--|
| ماضی ساده | بن ماضی + شناسه | رفتم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید |
| ماضی استمراری | می + ماضی ساده | می‌رفتم، می‌رفتی، می‌رفت، می‌رفتیم، می‌رفتید |
| ماضی نقلی | صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + ام، ای، است، ایم، اید، اند | رفته‌ام، رفته‌ای، رفته است، رفته‌اند |
| ماضی بعید | صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + بودم، بودی، بودید | رفته بودم، رفته بودی، رفته بودید |
| ماضی التزامی | صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + باشم، باشی، باشید، باشید | رفته باشم، رفته باشی، رفته باشید، رفته باشند |
| ماضی مستمر | داشتم، داشتی، داشتید، داشتند + ماضی استمراری | داشتم می‌رفتم، داشتی می‌رفتی، داشتید می‌رفتید، داشتند می‌رفتند |

۱- علامت ∅ به معنی «بدون شناسه» است. در فعل‌های سوم شخص مفرد ماضی به‌جز ماضی التزامی و فعل امر مفرد، شناسه، (∅) است.

نکته با توجه به تعریف مجاز، «استعاره» نیز در اصل نوعی مجاز است؛ زیرا در استعاره به دلیل وجود رابطه شباهت، واژه در معنای غیرحقیقی خود به کار می‌رود؛ برای مثال در بیت زیر، در مصراع اول، واژه «سرو» در معنای حقیقی خود، یعنی «درخت سرو» به کار رفته است؛ بنابراین استعاره و مجاز نیست؛ ولی در مصراع دوم، واژه «سرو» به دلیل شباهت، به جای «قد» یار به کار رفته است؛ در نتیجه، استعاره است و دارای مفهوم مجازی است.

● **سرو** را لرزه بر اندام ز رشک تو فُتد
گر صبا وصف کند **سرو** سرافراز تو را
نمونه‌هایی از کاربرد مجاز را در بیت و عبارت زیر می‌توان دید:

● همی‌برخورشید و فریاد خواند
جهان را سراسر سوی داد خواند
مجاز از مردم

● این **سعدی**، همدم و شوهر و غمگسار او بود.

مجاز از کلیات (آثار) سعدی

کنایه

✓ به معنی «پوشیده سخن گفتن» است؛ بدین‌گونه که عبارت یا جمله‌ای را در کلام بیاورند که معنای ظاهری آن مورد نظر گوینده نیست؛ بلکه معنای باطنی و مفهوم آن، مد نظر است؛ برای مثال در بیت زیر مقصود شاعر از عبارت «آب از سر گذشتن»، معنای ظاهری و آشکار آن، یعنی «کاملاً در آب فرو رفتن و غرق شدن» نیست؛ بلکه معنای باطنی و مفهوم آن، یعنی «ناامید شدن از رفع گرفتاری» است که «آب از سر گذشتن» یکی از نشانه‌های آن است:

● پروانه‌صفت سوختم از آتش عشقت
بگذشت ز سر آب و ز پیمان نگذشتم
همان‌گونه که در بیت زیر، مراد شاعر از «دسته‌گل به آب دادن»، رهاساختن دسته گل در آب نیست؛ بلکه مفهوم آن، یعنی «مرتکب خطا و اشتباهی شدن» است:

● نشده از گل رویش سیراب
که **فلک دسته‌گلی داد به آب**
بر این اساس می‌توان گفت که ضرب‌المثل‌ها نیز دارای مفهوم کنایی هستند.

نمونه‌های دیگری از کاربرد کنایه:

● **بدان شمشیر تیز عافیت‌سوز**
کنایه از **کشنده**

در آن انبوه کار مرگ می‌کرد
● دانست که **دل، اسیر دارد**
کنایه از **عاشق بودن**

دردی ننه دواپذیر دارد
● عشق، حالی **دواسیه** می‌آمد.
کنایه از **شتابان**

● این بار، معلم **سخت از جا در رفت**.
به **سخت عهبانی شدن**

دستور زبان فارسی



گروه فعلی

مهم‌ترین عضو جمله و هسته گزاره است که از «بن ماضی» یا «بن مضارع» ساخته می‌شود؛ مانند «می‌بخشد» در جمله زیر:
● عشق، به زندگی، شور و نشاط **می‌بخشد**.

گونه‌های مضارع

| زمان | شیوه ساخت | مثال |
|---------------|--|--|
| مضارع اخباری | می + بن مضارع + شناسه | می‌روم، می‌روی، می‌رود، می‌رویم، می‌روید، می‌روند |
| مضارع التزامی | ب + بن مضارع + شناسه | بروم، بروی، برو، برویم، بروید، بروند |
| مضارع مستمر | دارم، داری، دارد، داریم، دارید، دارند + مضارع اخباری | دارم می‌روم، داری می‌روی، دارد می‌رود، داریم می‌رویم، دارید می‌روید، دارند می‌روند |

گونه آینده

| زمان | شیوه ساخت | مثال |
|-------|---|---|
| آینده | خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهند + بن ماضی | خواهم رفت، خواهی رفت، خواهد رفت، خواهیم رفت، خواهید رفت |

چند نکته مهم درباره زمان فعل

۱ در گذشته گاهی در ابتدای برخی از فعل‌های ماضی ساده، نشانه «ب» می‌آمده است:

● مجنون جو حدیث عشق بشنید
اول بگریست، پس بخنیدید

۲ گاهی در پایان بعضی از فعل‌های ماضی ساده، حرف «الف» افزوده می‌شده است:

● گفتم ز مهرورزان، رسم وفا بیاموز
گفتا ز خوبرویان، این کار کم‌تر آید
۳ در ماضی استمراری، گاهی به جای «می» از «همی» استفاده می‌شده است:
● دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر
می‌گشت =

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

۴ در ماضی استمراری، گاهی به جای نشانه «می» در ابتدای فعل، نشانه «ی» در پایان آن می‌آمده است:

● چنان بُد که ضحاک را روز و شب
به نام فریدون گشادی دو لب
می‌گشاد =

۵ فعل‌هایی چون «شنیدستم، شنیدستی و ...» گونه‌ای از ماضی نقلی هستند که به جای «شنیده‌ام، شنیده‌ای و ...» به کار می‌رفته است.

● شنیدستی به عالم هیچ عاشق
که از دیده، لب معشوق بارد؟

۶ فعل «بود»، ماضی ساده، ولی «بُود» (= باشد) مضارع التزامی است:

● به حرص آر شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم
بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا

● تو را به آینه‌داران چه التفات بُود
= باشد

چنین که شیفته حُسن خویشان باشی

۷ فعل‌های «است، هست، نیست» و صیغه‌های دیگر آن‌ها، «مضارع اخباری» شمرده می‌شوند:

● بی تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی
عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟

● از عمر من آن چه هست بر جای
بستان و به عمر لیلی افزای

● گویند ز عشق کن جدایی
این نیست طریق آشنایی

در تعیین زمان «مضارع اخباری» و «مضارع التزامی»، چه نشانه «می» یا «ب» بر سر فعل باشد، چه نباشد، ابتدا فعل مورد نظر را در جمله به زبان معیار برمی‌گردانیم، سپس زمان آن را معین می‌کنیم:

● اگر لطفش قریب‌ترین حال گردد

= بگردد (مضارع التزامی)

همه ادب‌اره‌ها، اقبال گردد

= می‌گردد (مضارع اخباری)

۸ اجزای «ماضی و مضارع مستمر»، معمولاً در جمله از هم جدا می‌افتند:

● داشتیم به وداع دوستانه گوش می‌کردیم. (داشتیم گوش می‌کردیم ← ماضی مستمر)

● دانش آموزان، دارند پاسخ پرسش‌ها را می‌نویسند. (دارند می‌نویسند ← مضارع مستمر)

فعل معلوم و مجهول

● فعل معلوم فعلی است که به نهاد معلوم و مشخص نسبت داده می‌شود؛ مانند فعل «چید» در جمله زیر به که به نهاد جمله، یعنی «مریم»، نسبت داده شده است: ● مریم گل را چید.
نهاد مفعول فعل معلوم

● فعل مجهول فعلی است که به گروه اسمی جانشین نهاد که در اصل، مفعول جمله معلوم بوده است، نسبت داده می‌شود؛ مانند فعل «چیده شد» در جمله مقابل: ● گل چیده شد.
نهاد فعل مجهول

همان گونه که می‌بینیم، واژه «گل» که در بالا، «مفعول جمله معلوم» بود، در این جا، «نهاد جمله مجهول» واقع شده است.

● نکته ۱ امروزه «فعل مجهول» به کمک مصدر «شدن» ساخته می‌شود؛ اما در گذشته، با فعل‌های دیگری مانند «آمدن» و «گشتن» نیز ساخته می‌شده است:

● خوش‌تر آن باشد که سز دلبران
گفته آید در حدیث دیگران

(= گفته شود)، فعل مجهول

● جهان جوی اگر کشته گردد به نام

(= کشته شود)، فعل مجهول

به از زنده دشمن بدو شادکام

۲ با مجهول شدن فعل در جمله، یکی از اجزای آن کم می‌شود؛ بدین صورت که جمله‌های چهار جزئی به سه جزئی، و جمله‌های سه جزئی به دو جزئی تبدیل می‌شوند؛

مثال الف ما این درس را از آموزگار خود آموختیم. (چهار جزئی)

نهاد مفعول متمم فعل

← این درس از آموزگار آموخته شد. (سه جزئی)

نهاد متمم فعل مجهول

ب مادر کودک را بوسید. (سه جزئی) ← کودک بوسیده شد. (دو جزئی)

نهاد مفعول فعل نهاد فعل مجهول

● توجه «فعل مجهول» از «فعل‌های مفعول‌دار» ساخته می‌شود؛ مثلاً از فعل «پريد» نمی‌توان فعل مجهول ساخت؛ ولی در صورتی که همین فعل را به فعل مفعول‌دار تبدیل کنیم، می‌توان از آن، فعل مجهول ساخت:

پريد ← پرايد ← پرانده شد

بی‌مفعول مفعول‌دار مجهول



تاریخ ادبیات جامع



فهرست الفبایی همه آثار و مشخصات آن‌ها در یک نگاه

| نام اثر | پدیدآورنده | قالب | گونه ادبی |
|---------------------------------|------------------------------------|-------------------------|------------------|
| اسرار التوحید | محمد بن منور | نثر | عرفانی |
| اسرارنامه | عطار | نظم | عرفانی |
| الهی‌نامه ^۱ | سنایی | نظم | عرفانی |
| بوستان | سعدی | نظم (مثنوی) | تعلیمی |
| بهارستان | جامی | نثر (نثر آمیخته به نظم) | تعلیمی |
| بانگ جرس (عنوان درسی) | حمید سبزواری | نظم (مثنوی) | پایداری |
| پیامبر و دیوانه | جبران خلیل جبران | نثر | غنائی |
| پرنده‌ای به نام آذرباد | ریچارد باخ (به ترجمه سودابه پرتوی) | نثر | تعلیمی |
| تاریخ بیهقی | ابوالفضل بیهقی | نثر | تعلیمی |
| تحفة الاحرار | جامی | نظم (مثنوی) | تعلیمی |
| تذکره الاولیا | عطار | نثر | عرفانی |
| جوامع الحکایات و لوامع الزوایات | محمد عوفی | نثر (نثر آمیخته به نظم) | داستانی - تعلیمی |
| چشمه روشن | غلامحسین یوسفی | نثر | نقد ادبی |
| حملة حیدری | بازل مشهدی | نظم (مثنوی) | حماسی |
| در امواج سند (عنوان درسی) | مهدی حمیدی شیرازی | نظم (چهارپاره) | پایداری |
| دیوان غربی - شرقی | یوهان ولفگانگ گوته | نظم | غنائی |
| روزها | محمدعلی اسلامی ندوشن | نثر | شرح حال |
| روضه خلد | مجد خوافی | نثر (نثر آمیخته به نظم) | تعلیمی |
| زادالمعاد ^۲ | محمدباقر مجلسی | نثر | دعا و مناجات |

۱- عطار نیز، اثری به نام «الهی‌نامه» دارد؛ در این کتاب به آن اشاره نشده است.
 ۲- نام این اثر، بدون ذکر نام نویسنده آن در متن درس ۱۶ آمده است.

۳- رای فک اضافه: به جای نقش‌نمای اضافه «ب» می‌آید و «مضاف‌الیه» را بر «مضاف»، مقدم می‌دارد:

مثال: میرا اوج عزت در افلاک توست
 مضاف‌الیه فک اضافه (ب) مضاف

به چشمان من کیمیا خاک توست

← مرا اوج عزت (= اوج عزت من)

مضاف‌الیه

انواع «و»

۱- واو عطف: بین «دو واژه هم‌نقش» می‌آید:

گرینه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت

مضاف‌الیه معطوف به مضاف‌الیه

۲- واو پیوند (ربط): بین «دو جمله هم‌پایه» می‌آید:

پرواز شدند و پر گشودند به عرش

جمله ساره جمله ساره

۳- واو میانوند: میان «یک واژه» می‌آید و جزئی از ساختمان واژه است:

مولانا پس از جست‌وجوی بسیار، بی‌قرار و آشفته‌حال گردید.

یک واژه

روابط معنایی واژگان

یکی از راه‌های پی‌بردن به معنی واژه‌ها، توجه به رابطه معنایی میان آن‌هاست. رابطه معنایی میان واژه‌ها به انواع زیر، تقسیم می‌شود:

| نوع رابطه | تعریف | مثال |
|-----------|--------------------------------------|------------------------------------|
| ترادف | واژه‌ها، مترادف و هم‌معنی هستند. | (نژد و زبون)، (راغ و صحرا) |
| تضاد | واژه‌ها، متضاد و مخالف هم هستند. | (ادبار و اقبال)، (افراط و تفریط) |
| تناسب | واژه‌ها با یکدیگر مراعات نظیر دارند. | (ناو و دریا)، (آدینه و شنبه) |
| تضمن | یکی از واژه‌ها، زیرمجموعه دیگری است. | (زنبورک و سلاح)، (استسقا و بیماری) |

واژه‌های هم‌اوا

واژه‌هایی هستند که تلفظ آن‌ها «یکسان» است ولی دارای املا، معنا و کاربردی «متفاوت» هستند:

- آلم (درد و رنج) = علم (پرچم)
- منسوب (نسبت داده شده) = منصوب (گماشته‌شده)
- مستور (پوشیده‌شده) = مسطور (نوشته‌شده)
- خواستن (طلب کردن) = خاستن (بلندشدن)
- قدر (ارزش، مرتبه) = غدر (مکر، خیانت)

واژه‌های دوتلفظی

به واژه‌هایی گفته می‌شود که به دو شکل تلفظ می‌شوند و هر دو شکل آن‌ها درست است:

- آسمان / آسیمان
- مهربان / مهربان
- رایگان / رایگان
- یادگار / یادگار
- باغبان / باغبان
- استوار / استوار
- روزگار / روزگار
- آفریدگار / آفریدگار

| ردیف | امتحان نوبت اول (میان‌سال): فارسی ۲ | | رشته: کلیه رشته‌های نظری | تاریخ امتحان: دی‌ماه |
|----------------------|--|-----------------------------|--------------------------|----------------------|
| | امتحان شماره ۱ | پایه یازدهم دوره دوم متوسطه | مدت امتحان: ۹۰ دقیقه | نمره |
| قلمرو زبانی (۷ نمره) | | | | |
| ۱ | معادل معنایی واژه «چانه» را در بیت زیر بیابید. «زن‌خندان فروبرد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب» | ۰/۲۵ | | |
| ۲ | در کدام عبارت، واژه «محبوب» با واژه «مستور» هم‌معناست؟ (۱) مردی محبوب بود و دیده و دلش از گناه به دور. (۲) محبوب گشت از مردمان، مگر از اطبا و تنی چند از خدمتکاران مرد و زن. | ۰/۲۵ | | |
| ۳ | معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) گفت تو را به <u>حضرت</u> می‌برم که از تو خلیفتی می‌آفریند. ب) <u>خنیده</u> به گیتی به مهر و وفا ز اهریمنی دور و دور از جفا | ۰/۵ | | |
| ۴ | هم‌آوای واژه «سفیر» را بنویسید و معنی کنید. | ۰/۵ | | |
| ۵ | املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) حق تعالی را با این (قالب/ غالب)، سروکاری خواهد بود. ب) مردان، بار را به نیروی همّت و بازوی (همیت/ حمیت) کشند. | ۰/۵ | | |
| ۶ | در یکی از عبارت‌های زیر، املای واژه‌ای <u>نادرست</u> است؛ شکل درست آن را بنویسید. (۱) ابلیس پُرتلیس، یک باری گرد او طواف می‌کرد. (۲) تا ما حقّ این نعمتِ تندرستی که باز یافتیم، لختی گذارده باشیم. | ۰/۵ | | |
| ۷ | دو غلط <u>املایی</u> موجود در متن زیر را بیابید و صورت درست آن‌ها را بنویسید. «دیری نگذشت پرچم روس‌ها در خاک آغشته به خون بی‌گناهان به احتزاز درآمد. بادهای اواخر زمستان، ناله‌های وامانده‌گان را با بوی خون جوادخان و هزاران شجاع گنجه تا فراز قلّه‌های قفقاز می‌برد. نگاه فزون‌خواهانه و دهشت‌بار روس‌ها به فراتر از این‌ها دوخته شده بود.» | ۰/۵ | | |
| ۸ | رابطه معنایی میان هر یک از گروه‌واژه‌های زیر را تعیین کنید. الف) کوشک و ساختمان: ب) نژد و زبون: | ۰/۵ | | |
| ۹ | در عبارت زیر، فعل «مجهول» را بیابید و شکل «معلوم» آن را بنویسید. «نامه نبشته آمد؛ نزدیک آغاچی بردم و راه یافتم و امیر نامه را بخواند و تویع کرد.» | ۰/۵ | | |
| ۱۰ | واژه «شهادت» را در یک جمله، به عنوان «شاخص» و در جمله دیگر به عنوان «هسته گروه اسمی» به کار ببرید. | ۰/۵ | | |
| ۱۱ | نقش‌های «تبعی» را بیابید و «نوع» آن‌ها را تعیین کنید. الف) مولانا عذرشان را پذیرفت و فرزند خود، سلطان ولد را با غزلی به طلب شمس، روانه دمشق کرد. ب) برای من مگری و مگو دریغ! دریغ! به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد | ۰/۵ | | |
| ۱۲ | در بیت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «برداشتی دل ز کار او بخت درماند پدر به کار او سخت» | ۰/۵ | | |
| ۱۳ | کدام یک از دو بیت زیر، یک جمله «مرتب» است؟ جمله «وابسته» را در آن نشان دهید. الف) بیچارگی ورا چو دیدند ب) آمد سوی کعبه سینه پر جوش در چاره‌گری، زبان کشیدند چون کعبه نهاد حلقه در گوش | ۰/۵ | | |

| ردیف | امتحان نوبت دوم (پایان سال): فارسی ۲ | | رشته: کلیه رشته‌های نظری | تاریخ امتحان: خرداد ماه |
|----------------------|---|---|--------------------------|-------------------------|
| | امتحان شماره ۵ | پایه یازدهم دوره دوم متوسطه | مدت امتحان: ۹۰ دقیقه | نمره |
| قلمرو زبانی (۷ نمره) | | | | |
| ۱ | واژه‌های کدام گزینه، «هم‌معنی» نیستند؟ (۱) وقیعت و ملالت (۲) نفیر و صفر | (۳) دژم و ژبان | (۴) سَبک و خیرخیر | ۰/۲۵ |
| ۲ | در کدام عبارت، معنی واژه مشخص شده، نادرست آمده است؟ (۱) آن یکی مُمِد حیات است. (ادامه‌دهنده) | (۲) ببايد زدن داستان، آوری (بی‌گمان) | | ۰/۲۵ |
| ۳ | معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) فرض است فرمان بردن از حکم جلودار ب) در وی شکاری بسیار و اختلاف صیادان آن جا متواتر. | | | ۰/۵ |
| ۴ | کدام یک از واژه‌های زیر، اهمیت املایی ندارند؟ (۱) زر (۲) تپیدن | (۳) لفاف | (۴) سور | ۰/۲۵ |
| ۵ | با توجه به معنی، املاي کدام واژه نادرست است؟ (۱) خوان: سفره (۲) يقور: درشت و بدقواره | (۳) نهیب: فریاد بلند | (۴) مستور: پنهان | ۰/۲۵ |
| ۶ | در عبارت‌های زیر، دو مورد نادرستی املایی بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید. الف) چون به آن چه دارم و اندک است، قانعم، وزر و وبال این، چه به کار آید؟ ب) شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟ پ) پرچم روس‌ها در خاک آغشته به خون بی‌گناهان به احتزاز درآمد. ت) صیاد پیش آمد و جال باز کشید و حبه بیانداخت و در کمین بنشست. | | | ۰/۵ |
| ۷ | املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) در زمان انداخت شمشیر آن علی ب) چون موسم حج رسید، برخاست | کرد او اندر (غزایش/ غذایش) کاهلی أشتر طلبید و (مهمل/ محمل) آراست | | ۰/۵ |
| ۸ | در متن زیر، دو غلط املایی بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید. «کشتی‌گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او حلالی و رستم به دستان او زالی. روزی یاران، الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند؛ ناگاه مردی از کناره‌ای درآمد و نبرد خاست، خلق در وی حیران شدند؛ زور بازویی که کوه به هوا بردی.» | | | ۰/۵ |
| ۹ | در کدام گزینه، همه صفتهای بیانی از نوع «فاعلی» هستند؟ (۱) خوشحال - راستگو - کوشا (۳) خطرناک - توانگر - آهنین | (۲) خداشناس - آموزگار - پرورده (۴) سازنده - تابان - خواستار | | ۰/۲۵ |
| ۱۰ | در کدام عبارت، «شاخص» و «بدل»، هر دو دیده می‌شود؟ (۱) سلطان ولد، فرزند مولانا، هر دم بی‌تابانه به بالین پدر می‌آمد و باز از اتاق بیرون می‌رفت. (۲) خطاط مشهور آسایشگاه، آقای شایق، از بچه‌های یزد، با خط زیبای خودش، متن را نوشت. | | | ۰/۲۵ |
| ۱۱ | «نقش» واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «جانان من، برخیز و بشنو بانگ چاووش آنک امام ماء، علم بگرفته بر دوش» | | | ۰/۵ |
| ۱۲ | در بیت «دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد/ پس من چگونه گویم، کاین درد را دوا کن»: الف) نوع «را» در مصراع اول چیست؟ ب) فعل «نباشد»، اسنادی است یا غیراسنادی؟ | | | ۰/۵ |
| ۱۳ | «زمان» افعال را در عبارت زیر، تعیین کنید. «شهری که داشت خود را برای استقبال از بهار، آماده می‌کرد، اینک بستر فوران خشم و آز دشمن شده بود.» | | | ۰/۵ |

| | | |
|------|--|-------------------------------------|
| ۰/۵ | ت) موسی جلودار است و نیل اندر میان است | |
| ۰/۵ | ث) ز بیم سپهبد همه راستان | بدان کار گشتند همداستان |
| ۰/۵ | ج) چو غلتید در خاک آن ژنده‌فیل | بزد بوسه بر دست او جبرئیل |
| ۰/۵ | چ) هلا، منکر جان و جانان ما | بزن زخم انکار بر جان ما |
| ۰/۷۵ | ح) امروز دُرستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علت و تب، تمامی زایل شد. | |
| ۰/۲۵ | ۲۸ در بیت زیر، «سالار نو»، اشاره به کیست؟ «بیامد به درگاه سالار نو | بدیدندش آن‌جا و برخاست غو» |
| ۰/۲۵ | ۲۹ کدام پیام از داستان «کبوتر طوق‌دار» دریافت نمی‌شود؟ (۱) مسئولیت‌پذیری (۲) بلندپروازی | (۳) اتحاد و همیاری (۴) تجربه‌اندوزی |
| ۰/۵ | ۳۰ مقصود نویسنده از عبارت زیر چیست؟ «از لحاظ آشنایی با ادبیات، سعدی برای من به منزله شیر آغوز بود برای طفل که پایه عضله و استخوان‌بندی او را می‌نهد.» | |
| ۰/۵ | ۳۱ منظور از «هژبر ژیان» و «شه جنگجو» در بیت زیر چه کسانی است؟ «به سوی هژبر ژیان کرد رو به پیشش برآمد شه جنگجو» | |
| ۰/۵ | ۳۲ مارانی را که بر دوش ضحاک روییده بودند، مظهر چه خصلت‌هایی می‌توان دانست؟ | |
| ۰/۵ | ۳۳ با توجه به رباعی زیر، شاعر، «دل» را حاصل چه چیز می‌داند؟ «از شبنم عشق، خاک آدم، گل شد سرنشتر عشق بر رگ روح زدند صد فتنه و شور در جهان حاصل شد یک قطره فروچکید و نامش دل شد» | |
| ۰/۵ | ۳۴ با توجه به سروده زیر، ویژگی مهم انسان توانمند چیست؟ «ممکن / از ناممکن می‌پرسد؛ / خانهات کجاست؟ / پاسخ می‌آید: / در رؤیای یک ناتوان.» | |
| ۰/۵ | ۳۵ منظور از «چشم مسلح» در عبارت زیر چیست؟ «در حالی که کلاس، ده ردیف نیمکت داشت، من برای امتحان چشم مسلح، ردیف دهم را انتخاب کردم.» | |
| ۰/۵ | ۳۶ در ابیات زیر، «یاران عاشق» چه کسانی هستند و به کدام ویژگی آن‌ها اشاره شده است؟ «بیا عاشقی را رعایت کنیم از آن‌ها که خورشید فریادشان ز یاران عاشق حکایت کنیم دمید از گلوی سحرزادشان» | |
| ۲۰ | جمع نمرات | «موفق باشید» |

| | | | |
|------|--------------------------------------|-----------------------------|-------------------------|
| رديف | امتحان نوبت دوم (پایان سال): فارسی ۲ | رشته: کلیه رشته‌های نظری | تاریخ امتحان: خرداد ماه |
| | امتحان شماره ۶ | پایه یازدهم دوره دوم متوسطه | مدت امتحان: ۹۰ دقیقه |

قلمرو زبانی (۷ نمره)

| | |
|------|--|
| ۰/۲۵ | ۱ کدام گزینه، مترادف واژه مشخص شده در بیت زیر نیست؟ «چون رایبت عشق آن جهانگیر شد چون مه لیلی آسمان‌گیر» (۱) بیریق (۲) علم (۳) شرع (۴) درفش |
| ۰/۲۵ | ۲ در کدام عبارت «ایستاد» در معنای «شروع کردن» به کار رفته است؟ (۱) صیاد، گرازان به تگ ایستاد. (۲) صیاد در پی ایشان ایستاد. |
| ۰/۵ | ۳ معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) مسحور کار خود بودم؛ ابدأ توجهی به ماجرای شروع شده نداشتم. ب) به حشرم بده نامه در دست راست ز هولم در آن روز بی‌باک کن |